

توسیدید

مورخ تمام عیار

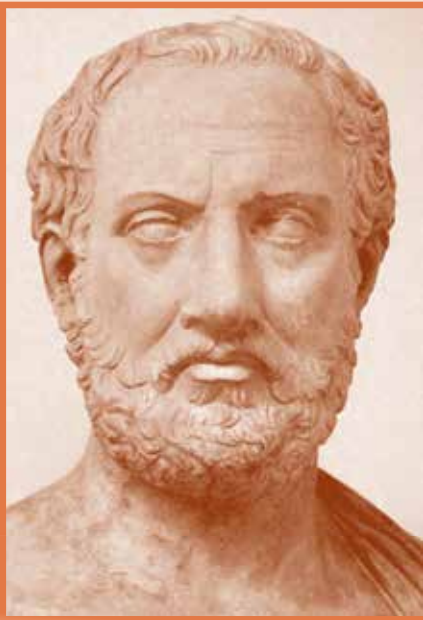
رحیم شبانه | دبیر تاریخ، بهبهان

rahim1348@gmail.com

مقدمه

اگر هرودوت بر نوشتن تاریخ جهان شناخته شده‌ی زمان خود همت کرد و در این راه افسانه و شعر را نیز به خدمت گرفت، توسیدید هموطن معاصر او تاریخ اختصاصی خود را جهان یونانی و آن هم یک دوره محدود از تاریخ یونان، یعنی وقوع جنگ‌های پلوپونزی قرار داد. هرودوت جنگ‌های ایران و یونان را حادثه مهم تاریخ می‌دانست، اما توسیدید شاید در رقابت با او جنگ‌های داخلی یونان را بزرگ‌ترین حادثه تاریخ بشر قرار داد و سعی کرد تاریخی پیراسته از اغراق‌های شاعرانه و افسانه‌های

مردم فریب ارائه دهد. بنابراین می‌توان گفت تأثیری که او در تاریخ‌نگاری یونان و جهان داشته بسیار بیشتر از تاریخ‌نگاری هرودوت است. توسیدید به‌عنوان یک «مورخ علمی» به آیندگان معرفی شده و کسی است که در نگارش خود واقعیت و عقل‌گرایی را فدای سرگرمی مردمان نکرده است. او که نویسنده کتاب «تاریخ جنگ پلوپونزی» است، از کسانی بود که در زمان وقوع این



جنگ به جمع‌آوری اسناد و مدارک از شاهدان عینی پرداخت و تاریخ سیاسی و نظامی یونان در زمان وقوع این جنگ را به نگارش درآورد. نوشته‌های او براساس تحلیل واقعیت‌های این جنگ تدوین شده است. لذا به جای افسانه‌سرایی که شیوه مرسوم زمان بود، استدلال‌های عقلی از گفته‌های شاهدان عینی را مبنای کار خود قرار داد.

در ضمن او به مقوله سیاست آن‌گونه که هست، نه آن‌گونه که باید باشد پرداخت. نوشته‌های توسیدید در طول تاریخ سرمشق مورخان و سیاستمداران بوده است. او در کتاب خود که اختصاصاً

در باره تاریخ یونان زمان وقوع جنگ داخلی پلوپونزی است، به ناچار به‌طور پراکنده و به مناسبت توجه به تحولات داخلی یونان به روابط ایران عصر هخامنشی با دولت‌شهرهای یونانی هم پرداخته است. این مقاله ضمن معرفی توسیدید، نگاهی ویژه به روابط هخامنشیان با دولت‌شهرهای یونانی از دیدگاه این مورخ عقل‌گرای جهان باستان دارد.

زندگی و زمانه توسیدید

توکودیدس یا توسیدید (Thucydides) یا فوکیدید (Fokidid) مورخ شهیر یونان باستان پس از سال ۴۶۰ پ م و به احتمال بیشتر در یکی از سال‌های دهه پس از ۴۵۰ پ م متولد شد [داک، ۱۳۸۹: ۱۵]. تولد او را ۲۵ سال پس از تولد هرودوت نوشته‌اند [فضلی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۵۲] و محل تولدش را الیمونت آتیک می‌دانند [موسوی، ۱۳۸۰: ۱۲]. توسیدید خود محل تولدش را آتن نوشته، پدرش اولورس از مردم آتن بود. او یک اشراف‌زاده بود و خانواده‌اش مالک چند معدن طلا در تراس بودند [بهمنش، ۱۳۷۵: ۳۸۸]. پدر وی با خاندان پادشاهی تراکیه در جنوب شرقی اروپا نسبت فامیلی داشت. بنابراین توسیدید را از بازماندگان یک خاندان سلطنتی می‌دانند. برخی حتی او را از بستگان میلنیادس سردار بزرگ آتنی در جنگ ماراتن دانسته‌اند. نام مادرش **هگسپوله** بوده است [داک، ۱۳۸۹: ۱۷]. توسیدید چون نجیب‌زاده بود حق تحصیل داشت. در حالی که برخی مطمئن نیستند او ازدواج کرده باشد. برخی دیگر مدعی‌اند که ازدواج کرده و همسرش احتمالاً اهل تراکیه بوده است. توسیدید از طرف پدر یا همسرش در تراکیه صاحب ملکی شد. این خانه در اسکاتپه هوله شهر کوچکی در ساحل تراکیه بود. این منطقه در زمان قدیم مرکز

استخراج طلا بوده است [همان: ۳۴].

در سال ۴۳۰ پ م هنگام حمله اسپارتنی‌ها به آتیکا، بیماری همه‌گیری در آتن شیوع یافت که توسیدید در کتابش اوصاف آن را ذکر کرده است [توسیدید، ۱۳۷۷: ۱۲۰]. شاید تنها سند بر جای مانده از این بیماری بزرگ، نوشته‌های توسیدید باشد. ظاهراً چیزی که این بیماری را در آتن تشدید کرده، نداشتن مجرای فاضلاب در این شهر بوده است [داک، ۱۳۸۹: ۶۰]. در سال ۴۲۹ پ م خود توسیدید هم به این بیماری مبتلا شد، اما اندکی بعد بهبود یافت.

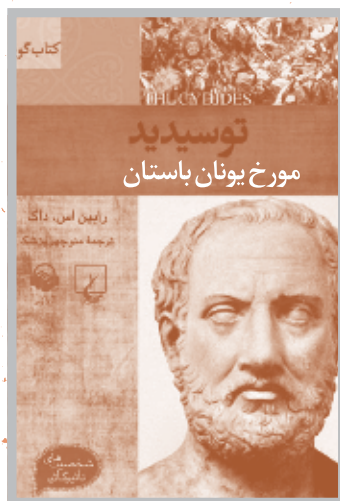
او در دهه چهارم زندگی خود، در حدود سال ۴۲۴ پ م به مقام «استراتگوس» یا سرداری برگزیده شد. این مقام مهم تنها مقامی بود که فرد از طریق قرعه انتخاب نمی‌شد بلکه مردم آتن هر سال ده نفر از افراد طبقات بالا را که توانایی نظامی داشتند، برای آن انتخاب می‌کردند. این افراد دارای استقلال عمل بودند و حتی اجازه مذاکره و بستن پیمان با دولت شهرهای دیگر را داشتند. منتهی این پیمان‌ها بایستی به تأیید مجلس آتن می‌رسید [همان: ۶۹]. آن‌ها در مقابل مجلس مسئول بودند و هر سال می‌بایستی ده بار به مجلس گزارش عملکرد خود را ارائه می‌دادند. به دلیل علاقه توسیدید به منطقه تراکیه او مأمور ناوگان شمال نیروی دریایی آتن شد. وی در همان سال

توسیدید ۲۰ سال رادر تبعید به سربردو در همین دوران بود که شروع به تهیه مقدمات برای نوشتن تاریخ خود نمود



▲ جنگ پلوپونزی

تاریخ تو بسیدید
تاریخ جنگ‌های
داخلی یونان است که
باعث ویرانی یونان
و زوال عصر طلایی آن
شد. این جنگ‌ها به
جنگ‌های پلوپونزی
معروف است



آن را مرور کند و تصحیح لازم را در آن به عمل آورد [گزنفون، ۱۳۴۳: ۱۳].

در باره منابع کتاب «تاریخ جنگ پلوپونزی» می‌توان گفت که هسته اصلی آن را نقلیات شفاهی تشکیل می‌دهد که توسیدید از شرکت‌کنندگان این جنگ به دست آورده بود. چنان‌که خود گوشزد می‌کند این کار بسیار پرزحمت و طاقت‌فرسا بوده است [توسیدید، ۱۳۷۷: ۳۴]. البته در زمان توسیدید منابع شفاهی وجه غالب کار اکثر مورخان بوده است. منتهی توسیدید سعی داشت درباره این گفته‌های شفاهی تحقیق و تفحص کند و هر چیزی را نپذیرد. در آن زمان اکثر یونانیان «نه تنها درباره رویدادهای گذشته بلکه در خصوص وقایع معاصر هم به خبرهای نادرست اعتماد می‌کردند. اما توسیدید براساس معیار عقل به تحلیل نقلیات پرداخته است» [همان: ۳۵].

اگر چه او پس از تبعید عملاً در صحنه جنگ‌ها حضور نداشت. اما دوران تبعید فرصت خوبی در اختیارش گذاشت که از میدان‌های نبرد بازدید کند و با بازماندگان هر دو طرف جنگ صحبت نماید. علاوه بر آن او از منابع دست‌اول مانند نامه‌ها و اسناد رسمی نیز بهره گرفته است. برخی از منابع وی کتیبه‌ها و نوشته‌های روی ستون‌ها و معابد، و نیز یادگارها و علامت‌های پیروزی سپاهیان بوده که از نزدیک آن‌ها را مشاهده کرده است. توسیدید بین مطالبی که از افراد مختلف شنیده تفاوت قائل است، به برخی اعتماد داشته و مورد وثوق بودن آن‌ها را با کلماتی مانند «خبرش را از منابع شایان اعتماد دارم» و «خبر من یقین‌تر از خبرهای دیگران است» بیان می‌کند. او در برخی موارد ضمن طرح نظرات دیگران در یک موضوع عقیده خود را هم آورده و می‌نویسد: «و این به عقیده من» [همان: ۳۷۳].

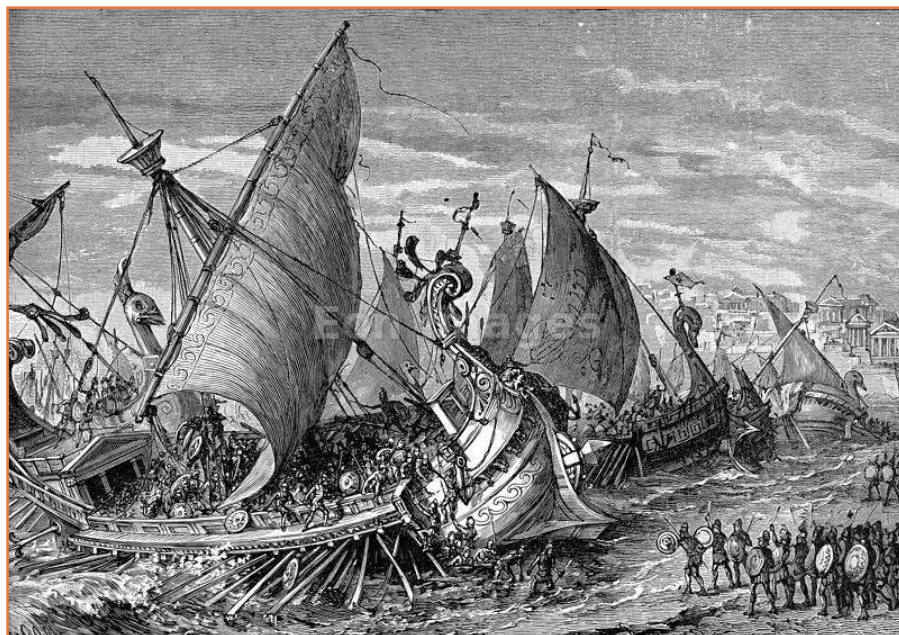
نمی‌توان انکار کرد که توسیدید از نوشته‌های مورخان پیش از خود هم بهره گرفته است. با وجود این او به بیشتر این منابع انتقاد داشته است. یکی از کسانی که تاریخ ۵۰ ساله را که بین جنگ‌های ایران و یونان و شروع جنگ پلوپونزی فاصله دارد نوشته «هلانیکوس» است. او در قرن پنجم ق م می‌زیست و توسیدید از او نام برده است. در ذهن توسیدید گفته‌های کسانی

۴۲۴ پ م که سال هفتم جنگ‌های پلوپونزی بود در یکی از مأموریت‌های خود به دلیل دیر رسیدن به شهر آمفیپولیس و تصرف این شهر به دست متحدان اسپارت، در مأموریتش شکست خورد. این شکست باعث تبعید او از شهر آتن شد. وی احتمالاً داوطلبانه محل تبعید خود را در تراکیه انتخاب کرد. توسیدید ۲۰ سال را در تبعید به سر برد و در همین دوران بود که شروع به تهیه مقدمات برای نوشتن تاریخ خود نمود. او حق مسافرت به هر جا به جز شهر آتن را داشت. لذا قریب ۲۰ سال را در میان اقوامی که در جنگ پلوپونزی شرکت داشتند به سر برد و مشغول جمع‌آوری اطلاعات برای نوشتن کتاب شد [بیات، ۱۳۷۰: ۲۲].

در سال ۴۰۴ پ م حکم تبعید توسیدید لغو شد و به آتن بازگشت. البته به یقین نمی‌توان گفت که او به آتن بازگشته بوده باشد. در این زمان که جنگ‌های پلوپونزی پایان یافته بود، او به منظم ساختن یادداشت‌های خود و نوشتن تاریخش پرداخت [همان، ۲۲]. مرگ او در حدود سال‌های قبل از ۳۹۷ پ م نوشته‌اند. از چگونگی مرگ توسیدید در پنجاه سالگی هم، همانند زندگی‌اش اطلاعات زیادی در دست نیست. در حالی که برخی گفته‌اند در تبعید مرده، بر طبق یک افسانه، سال‌ها پس از بازگشت به آتن یا تراکیه به طرز خشونت‌باری به قتل رسیده است [داک، ۱۳۸۹: ۹۲].

ظاهراً توسیدید ناگهانی از دنیا رفته، چرا که نتوانسته تاریخ خود را به پایان ببرد به طوری که تاریخ او یک‌بار در سال ۴۱۱ پ م، یعنی هفت سال قبل از وقایع پایانی جنگ قطع می‌شود. کتاب او هشت جلد یا هشت کتاب است و از سبک کتاب هشتم پیداست که این قسمت اخیر را بعد از مرگ او با به هم پیوستن یادداشت‌های وی نوشته‌اند. تقسیم‌بندی این تاریخ به هشت کتاب و هر «کتاب به بندهای متعدد» از خود توسیدید نیست، بلکه این کار در دوره یونانی‌مآبی پس از اسکندر به دست محققان اسکندرانی صورت گرفته است [توسیدید، ۱۳۷۷: ۱۲]. بعدها گزنفون مورخ معروف تاریخ یونان (هلنیکا) خود را در ذیل تاریخ جنگ پلوپونزی توسیدید نوشت. ضمن اینکه نقلی وجود دارد از اینکه توسیدید در بستر مرگ، نسخه منحصر به فرد تاریخ خود را به گزنفون سپرد و او را مختار ساخت تا

هجوم آتنی‌ها به سیسیل که در نهایت به شکست آتنی‌ها انجامید



توسیدید تاریخ
راناشی از اراده
انسان قلمداد
می‌کرد. نیروی
محرکه تاریخ را
انسان و عملکرد او
می‌دانست، و قدرت
و وسوسه‌های آن را
بزرگ‌ترین عامل
محرک انسان فرض
می‌کرد

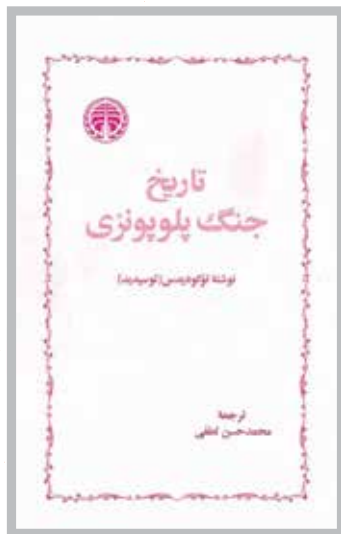
اهمیت تاریخ نویسی توسیدید

تاریخ توسیدید تاریخ جنگ‌های داخلی یونان است که در فاصله سال‌های ۴۳۱ تا ۴۰۴ پ م بین دولت‌شهرهای یونانی رخ داد و باعث ویرانی یونان و زوال عصر طلایی آن شد. این جنگ‌ها به جنگ‌های پلوپونزی یا جنگ پلوپونزی معروف است. علت شروع این جنگ‌ها را ترس اسپارتی‌ها و متحدانشان از افزایش سلطه آتن می‌دانند، که به بهانه دموکراسی در امور داخلی دولت‌شهرهای دیگر دخالت می‌کرد. رقابت‌های تجاری و اقتصادی بین دولت و شهرها را بایستی عامل اصلی جنگ دانست. هر چند جنگ را اسپارتی‌ها شروع کردند اما تحرکات آتنی‌ها هم که باعث عکس‌العمل‌های متوالی رقیب شد، در شروع جنگ بی‌تأثیر نبوده است [خیراندیش، ۱۳۷۹: ۱۰۵].

با وجود خوش‌باوری‌های اولیه که زمان جنگ را یک یا دو سال فرض می‌کرد، این جنگ حدود ۲۹ تا ۳۰ سال طول کشید. توسیدید در این مورد نوشته است: «من خود به یاد دارم که از آغاز تا پایان جنگ بسیار کسان پیش‌گویی می‌کردند که جنگ سه سال به طول خواهد انجامید» [توسیدید، ۱۳۷۷: ۳۰۱]. در نتیجه جنگ بین سال‌های ۴۰۴ تا ۳۷۱ پ م سراسر یونان تحت حاکمیت اسپارت قرار گرفت. با وجود این، آن‌ها برای تحکیم حاکمیت

چون هومر بیشتر افسانه می‌نمود تا واقعیت، چنان‌که می‌نویسد «اگر بتوان به هومر اعتماد کرد...» یعنی اینکه او به گفتارهای هومر اعتماد نداشت. با وجود این مطالعه کتاب «تاریخ جنگ پلوپونزی» نشان می‌دهد توسیدید هم همچون مورخان دیگر یونان باستان تحت تأثیر هومر قرار داشته، به‌ویژه در سخنرانی‌هایی که از قول افراد مختلف بیان می‌کند، سعی کرده همانند هومر احساسات و حالات درونی ایشان را نشان دهد [همیلتون، ۱۳۸۴: ۱۹۵].

هر چند توسیدید با نام از هرودوت اسم نبرده است اما از شیوه او به شدت انتقاد می‌کند و کار او را شبیه قصه‌گویی و شاعرانی دانسته که با «فریب وصف‌های رنگارنگ» باعث تحریف تاریخ می‌شوند [توسیدید، ۱۳۷۷: ۳۵]. در عین حال گفته شده زمانی که هرودوت فصول کتاب خود را با صدای بلند در میدان‌های آتن برای مردم قرائت می‌کرد، توسیدید هم مانند دیگران به آن‌ها گوش می‌کرد و همین هم باعث علاقه‌مندی وی به تاریخ شد [احمدی، ۱۳۸۶: ۹۱]. گفته شده مطالبی که توسیدید درباره بیماری بزرگ سال ۴۳۰ پ م نوشته تحت تأثیر آموزه‌های بقراط حکیم بوده است [داک، ۱۳۸۹: ۶۱].



واقعاً حاکی از اندیشه قوی اوست. وی مانند یک تنوریسن سیاست قلم را بر کاغذ گذاشته و عیناً در حال آموزش الفبای سیاست به آیندگان است. او قدرت را به عربانی نشان می‌دهد، توسیدید مدرس علم سیاست است، آن گونه که هست نه آن گونه که باید باشد. کتاب تاریخ جنگ پلوپونزی را باید اولین تاریخ سیاسی به معنای واقعی امروزی دانست.

توسیدید آتن را بزرگ‌ترین شهر یونان می‌دانست و لایق سروری بر دیگران و این را از فحواي کلامی که او از زبان قهرمانان تاریخش آورده می‌توان درک کرد [همان: ۱۲۸]. او آتن را «مدرسه یونان» می‌دانست که دیگران باید در آن درس اخلاق و تربیت بیاموزند [همان: ۱۱۶]. از نوشته‌های توسیدید می‌توان برداشت نمود که همان گونه که یونانی‌ها در تفکر خود در برابر بیگانگان از جمله ایرانیان خود را مظهر آزادی می‌دانستند، در داخل یونان نیز همین دوگانگی به نوعی وجود داشت. آتنی‌ها حکومت دموکراسی و شهر آزاد خود را برتر از حکومت دولت‌شهرهایی چون اسپارت می‌دانستند که براساس نوعی حکومت اقلیت بر اکثریت استوار بود. لذا در تفکر کلی، یک یونانی در برابر بیگانگان اعتقاد برتری به لحاظ اندیشه و تفکر آزادی وجود داشت، در داخل خود مرزهای یونان نیز نوعی تقسیم‌بندی دیگری موجود بود که باز هم آزادی و دموکراسی بازتر یا بسته‌تر، عاملی برای نزاع و اختلاف ایجاد می‌کرد. پس دو نوع ناسیونالیسم در یونان پیدا شد. ناسیونالیسمی که یونانی‌ها را در برابر غیر یونانی‌ها (بربرها) قرار می‌داد و ناسیونالیسمی که این دولت‌شهرها را در برابر هم‌وایی داشت.

علی‌رغم تمجیدهای طولانی که توسیدید از دموکراسی آتن می‌کند، می‌نویسد: قدرت اصلی در این شهر با وجود نام دموکراسی در دست «نخستین شهروند» قرار دارد که در آن زمان پریکلِس بود [همان: ۱۲۱۰]. توسیدید نیز همچون دیگر یونانی‌ها ملت خود را از ملت‌های دیگر برتر می‌دانست. پس وقایع تاریخ خود را مهم‌تر قلمداد می‌کرد (همان: ۲۵). از مطالب توسیدید چنین برداشت می‌شود که در آن زمان، واقعاً ساکنان یک شهر یونانی خود را یک کشور احساس می‌کردند این کشور دارای یک شهر بزرگ مانند آتن

خود فاقد نیروی انسانی کافی، پول و قدرت دریایی بودند. تا اینکه دولت‌شهر تب با کمک آتن، ایران و دیگر دولت‌شهرها اتحادیه‌ای علیه اسپارت تشکیل داد و بین سال‌های ۳۷۱ تا ۳۶۳ پ م شهر تب بر یونان مسلط شد. اما به دلیل ادامه جنگ‌ها اقتدار این اتحادیه هم‌پا بر جا نبود [خیراندیش، همان: ۱۰۶].

آغاز تاریخ شفاهی را به توسیدید نسبت داده‌اند [الویری، ۱۳۸۵: ۶] اما او اساس این تاریخ شفاهی را بر طرح نقادانه وقایع قرار داده است. به همین خاطر به عنوان «پدر فلسفه تاریخ» شناخته می‌شود [رضوی، ۱۳۸۶: ۱۴]. در بین مورخان باستان توسیدید تنها کسی است که عنوان «علمی» از سوی مورخان عصر جدید دریافت کرده است [فضلی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۵۲]. چرا که به قولی تا قبل از او کسی که بتواند تاریخی را با بی‌طرفی بنویسد پیدا نشده بود [بهمنش، ۱۳۷۵: ۳۸۵]. از این لحاظ شاید بتوان او را به تعبیر امروزی‌ها یک مورخ تمام‌عیار دانست.

توسیدید مورخی بود متفکر که سعی در بررسی علل وقایع داشت. او «می‌خواست بگوید که هدف تاریخ نشان دادن راه آینده است» [بیات، ۱۳۷۰: ۲۳]. روش توسیدید در تاریخ‌نگاری بعدها مورد استفاده آیندگان قرار گرفت. او از تاریخ همان را می‌خواست که امروزه مورد توجه مورخان است، یعنی تاریخ را «آزمایشگاه تجارب و مجموعه دروس و راهنمای سیاستمداران و متفکرین» می‌دانست [بهمنش، ۱۳۷۵: ۳۸۹]. توسیدید به افسانه‌ها و مذهب در تاریخ کاری نداشت. تاریخ را ناشی از اراده خدایان نمی‌دانست، بلکه آن را ناشی از اراده انسان قلمداد می‌کرد. نیروی محرکه تاریخ را انسان و عملکرد او می‌دانست، و قدرت و وسوسه‌های آن را بزرگ‌ترین عامل محرک انسان فرض می‌کرد.

«ضعیف باید در برابر قوی تسلیم شود». «این اندیشه (اندیشه حق و ناحق) تا امروز هیچ‌کس را مانع از آن نشده است که از هر فرصتی برای انباشتن کیسه خود استفاده کند» «همه برآنند که هر کس از طریق زور کاری را می‌تواند از پیش ببرد نیازی به قانون ندارد» [توسیدید، ۱۳۷۷: ۶۰ و ۶۱]. اینها و صدها مورد دیگر از داخل کتاب توسیدید



**توسیدید در کتاب خود
که اختصاصاً درباره تاریخ
یونان و زمان وقوع جنگ
داخلی پلوپونزی است، به
ناچار به طور پراکنده و به
مناسبت توجه به تحولات
داخلی یونان به روابط
ایران عصر هخامنشی با
دولت شهرهای یونانی هم
پن‌داخته است**

▼ پارتنون، نیایشگاهی
باستانی در آکروپولیس آتن
است که پریکلس آن را ۲۵۰۰
سال پیش بنا کرد.

و با اسپارت با شهرک‌ها و روستاهایی در اطراف آن بود. ساکنان آن به دو دسته هم‌شهریان و بیگانگان تقسیم می‌شدند [همان: ۱۱۴]. شهر بزرگ و اصلی را توسیدید «مادر شهر» و شهرک‌های پیرامونی را «دختر شهر» نامیده است. از نشانه‌های وابستگی دختر شهر به مادر شهر فرستادن هدیه‌های مرسوم در اعیاد مشترک بود [همان: ۳۸]. از لابه‌لای نوشته‌های توسیدید می‌توان به نوع مناسبات اجتماعی در دولت‌شهرهای یونانی پی برد. مثلاً اینکه شهرهایی که متحد آتن بودند از مزایای شهروندی آتن برخوردار می‌شدند [همان: ۱۸۳]. یا اینکه در زمان برپایی جشن‌های دینی به شهرهای رقیب حمله نمی‌کردند [همان: ۱۸۸]. عبور از قلمرو یک دولت‌شهر حتماً بایستی با اجازه باشد [همان: ۲۵۴]. معابد حتی در جنگ‌ها هم مقدس بودند و مهاجمان یک شهر در شهر دیگر به آن‌ها جسارت نمی‌کردند [همان: ۲۶۳].

توسیدید با وجود نوشتن تاریخ سیاسی به جغرافیای تاریخی و سیاسی یونان هم نظر خاصی داشته است. شاید از آن‌رو که بدون شناخت جغرافیای تاریخی طرح تاریخ سیاسی به راحتی ممکن نیست. حتی گزارش وقایع طبیعی از قبیل زمین‌لرزه‌ها و سیل‌ها و طوفان‌ها را هم فراموش نکرده است. او به تاریخ اجتماعی هم توجه داشته و برخی از رسوم رایج زمان خود یا پیش از زمان خود را آورده است [همان: ۲۰۳]. در عین حال به برخی از جشن‌ها و مسابقات ورزشی و موسیقی هم پرداخته است. او از مناسبات خاص و رسوم اجتماعی یونانیان باستان مطالب پراکنده و فراوانی دارد. از جمله

وجود «روستاییان وابسته زمین» که همانند بردگان بودند [همان: ۲۳۰]؛ و یا بزرگداشت قهرمانان و فرماندهان بزرگ که گاهی آرامگاه‌های مجلل برای ایشان می‌ساختند و قربانی نثار می‌کردند و به یاد ایشان مسابقات ورزشی ترتیب می‌دادند و حتی عنوان رسمی «مؤسس شهر» را به آن‌ها می‌دادند [همان: ۲۹۱]. او از سنت بست‌نشینی در معابد و ده‌ها رسم و سنت دیگر یونانی‌ها خبر می‌دهد. اما تاریخ او به‌طور کلی تاریخ اجتماعی نیست، بلکه به مفهوم واقعی تاریخ سیاسی است.

از موارد مهمی که در شیوه تاریخ‌نویسی توسیدید برجسته است، باید به نقل سخنان و سخنرانی‌های طولانی افراد و اشخاص اشاره کرد، هر چند نقل این سخنرانی‌های خیالی که او به قهرمانانش نسبت داده از مواردی است که تا حدودی او را در معرض اعتراض مورخان امروزی قرار داده است. توسیدید خود در این‌باره می‌نویسد: «بازگو کردن عین کلمات و عبارات گفتارهایی که چه در اینجا و چه در آنجا، خواه هنگام مشاوره درباره شروع جنگ و خواه در اثنای جنگ، به میان آمده است، چه برای من که آن‌ها را به گوش خود شنیده‌ام و چه برای کسانی که از شهرهای دیگر که آن‌ها را برای من روایت کرده‌اند، بسیار دشوار بود. از این‌رو گفتارها را با چنان کلمات و عباراتی آورده‌ام که هر گوینده‌ای در وضع و موقعیتی که داشت می‌بایست بگوید»، او تذکر می‌دهد که: «در مورد رویدادهای واقعی جنگ» چنین کاری نکرده بلکه از منابع موثق گرفته یا خود مشاهده نموده است. توسیدید معتقد است که حتی در این سخنرانی‌های پنداری هم دید شاعرانه به کار نبرده است. او در موارد مختلف می‌نویسد: «تقریباً چنین گفتند» [همان: ۱۸۶]. خود توسیدید می‌گوید: «ممکن است این روش مورد پسند همه مردم نباشد، اما برای کسانی که می‌خواهند از روی حوادث گذشته آینده را ببینند بسیار مفید است [همان: ۳۶].

توسیدید در بیشتر موارد نظریات مملکت‌داری را از زبان قهرمانان تاریخ خود که در اصل دیدگاه خود اوست و برگرفته از محیط و زمانه‌اش بوده ارائه می‌کند و با مقایسه سیستم اداری و سیاسی دولت‌شهرهای یونانی به‌ویژه آتن مزایا و معایب هر شیوه را بیان می‌کند. در این سخنرانی‌ها می‌توان



**توسیدید در حین ذکر
وقایع جنگ‌های داخلی
یونان از زبان قهرمانان
تاریخ خود اشاراتی چند
به جنگ‌های ایران و
یونان و عملکرد
دولت‌شهرهای یونانی در
این جنگ‌ها دارد**



قوی‌ترین استدلال‌ها و بیان‌ها را برای از میدان به در کردن رقیبان و جلب افکار عمومی پیدا کرد. گفته می‌شود ماکیاولی در نوشتن دو اثرش «گفتارها» و «شهریار» از نوشته‌های توسیدید الهام گرفته است. او کتاب توسیدید را با دقت خوانده و پاره‌ای از نظریاتش را در امر سیاست از وی گرفته بود [همان: ۲۲]. نوشته‌های توسیدید سرمشق بزرگی برای بسیاری از مورخان و محققان بعد از او و حتی در دنیای امروزی بوده است. بسیاری در آثار خود او را ستوده‌اند [پلوتارک، ۱۳۷۹: ۲].

البته برخی نیز از او انتقاد دارند و معتقدند در بعضی موارد کوتاهی داشته، مثلاً هرگز در مورد شکوفایی تمدن آتن در قرن پنجم پ م اشاره‌ای ندارد [فضلی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۵۲]. گروهی از مورخان جدید بر این باورند که توسیدید رویدادها را تحریف کرده تا بهترین تصویر ممکن را از آتن نشان بدهد [داک، ۱۳۸۹: ۸۴].

زمانی که توسیدید تاریخ خود را می‌نوشت جنگ‌های ایران و یونان به پایان رسیده بود و از آن لشکرکشی‌های عظیم داریوش و خشایارشا جز خاطراتی چند در اذهان باقی نمانده بود. البته در نوشته‌های توسیدید جزء خاطراتی پراکنده از این لشکرکشی‌ها مطالبی هم از روابط ایران و یونان در حین جنگ‌های پلوپونزی ارائه شده که منسجم نیست.

مطالب پراکنده توسیدید از جنگ‌های ایران و یونان می‌رساند که یونانی‌ها از پیروزی‌های خود در نبرد ماراتن و سالامیس بسیار روحیه و اعتمادبه‌نفس پیدا کرده بوده‌اند. توسیدید در حین ذکر وقایع جنگ‌های داخلی یونان از زبان قهرمانان تاریخ خود اشاراتی چند به جنگ‌های ایران و یونان و عملکرد دولت‌شهرهای یونانی در این جنگ‌ها دارد. ضمن این اشارات به مقایسه، ارزیابی قدرت، سیاست، و نیروی ایرانیان با یونانیان می‌پردازد و یا به توصیفات اخلاقی از رفتار ایرانیان در مقایسه با ساکنان دولت‌شهرهای یونانی توجه دارد.

بنا به اخبار تأیید نشده‌ای توسیدید با خط و زبان پارسی آشنا بوده و حتی ترجمه برخی از نامه‌های رسمی دربار هخامنشی از زبان پارسی به یونانی را به او نسبت می‌دهند [داماندایف، ۱۳۷۳: ۱۸۵].

در زمان شروع جنگ‌های پلوپونزی هنوز پیرمردانی که جنگ‌های ایران و یونان را به یاد داشتند زنده بودند [توسیدید، ۱۳۷۷: ۱۰۷]. شاید توسیدید اطلاعات خود درباره ایرانیان را از آن‌ها گرفته باشد. اطلاعاتی که او از اوایل دوره هخامنشی می‌دهد بسیار کمتر و پراکنده‌تر از اطلاعات وی درباره پادشاهانی چون اردشیر اول است. اطلاعات او از روابط ایران و یونان از زمان اردشیر اول به بعد بیشتر است. شرح این اطلاعات، خود فرصتی دیگر می‌طلبد ...

منابع

۱. احمدی، امیر، **هرودوت**، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۱، بهمن‌ماه، ۱۳۸۸.
۲. الویری، محسن، **در آمدی بر مفهوم، فرایند و ویژگی‌های تاریخ‌نگاری شفاهی**، فصلنامه علمی - تخصصی نامه تاریخ‌پژوهان، شماره ۶، تابستان، ۱۳۸۵.
۳. بهمنش، احمد، **تاریخ یونان قدیم**، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
۴. بیات، عزیزالله، **شناسایی منابع و مأخذ تاریخ ایران از آغاز تا سلسله صفویه**، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۰.
۵. پلوتارک، **حیات مردان نامی**، ترجمه رضا مشایخی، جلد ۳، تهران: ققنوس، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
۶. توکودیدس (توسیدید)، **تاریخ جنگ پلوپونزی**، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۷. داک، رابین، اس، **توسیدید مورخ یونان باستان**، ترجمه منوچهر پزشکی، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۸. خیراندیش، عبدالرسول، **تاریخ جهان، دوره تربیت معلم**، رشته آموزش مطالعات اجتماعی، دفتر برنامه‌ریزی کتب درسی، ۱۳۷۹.
۹. داماندایف، م. آ، **ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی**، ترجمه روحی ارباب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
۱۰. رضوی، سیدابوالفضل، **تاریخ فلسفه تاریخ**، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۰۹، خردادماه، ۱۳۸۶.
۱۱. شبانه، رحیم، **پارسیان در سرزمین فراغنه**، رشد آموزش تاریخ، شماره ۳۲، پاییز، ۱۳۸۷.
۱۲. فضلی‌نژاد، احمد، **دریچه‌ای به تاریخ‌نگاری یونان باستان**، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۷۲، مهرماه، ۱۳۸۲.
۱۳. گزنفون، **کوروش‌نامه**، ترجمه رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۳.
۱۴. موسوی، حسن، **شناخت و نقد منابع ایران باستان**، شیراز: مرکز نشر دانشگاهی شیراز، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۵. همیلتون، پل، **تاریخ و تاریخ‌گری**، ترجمه امیرحسین صادقی، فصلنامه تخصصی تاریخ اسلام، شماره ۲۴، زمستان، ۱۳۸۴.